

به نام خدا

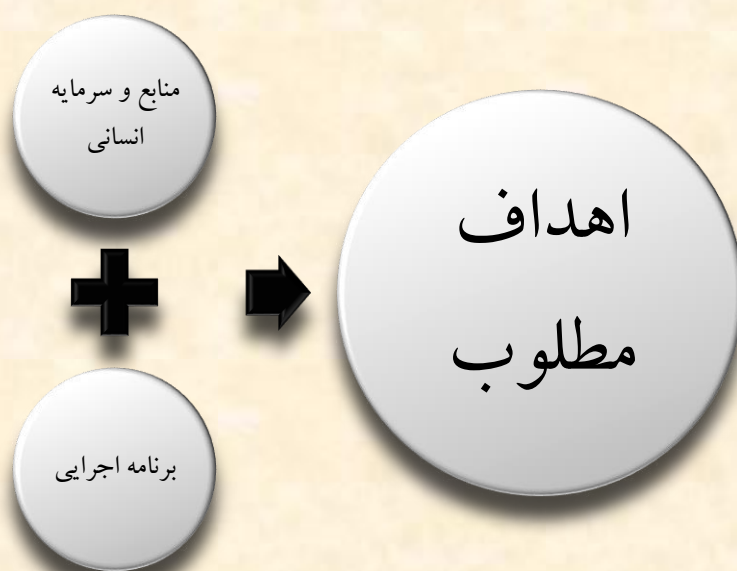
نکاتی پیرامون پژوهش در دستگاه‌های اجرایی

مقدمه:

پژوهش عملی است که انسان بر اساس دانش و اطلاعات مجهولات را به معلومات تبدیل کرده، به سوالات خود پاسخ می‌دهد و مسائل را حل می‌کند.

قبل از پژوهش هدف اولویت بالایی دارد، ضروری است بدانیم که سازمان‌ها بر اساس قوانین برای انجام ماموریتی ایجاد شده‌اند و در راستای ماموریت، وظایفی را عهده دار هستند، ساختارهای سازمانی در بخش‌های دولتی و حتی بخش خصوصی، به موجب قانون شکل گرفته و برای تحقق اصول قانون اساسی، بوجود آمده‌اند که با انجام فعالیت‌ها و اقدامات بخشی از اصول قانون اساسی را پیاده کرده و اجرایی کنند.

مدیران و کارکنان باید شناخت لازم از سازمان‌های خود داشته باشند، به موجب قوانین و مقررات هر سازمان دارای وظایف و اهدافی است که مدیران وظیفه دارند با استفاده از منابع موجود و سرمایه انسانی سازمان را به سوی اهداف رهنمون شوند و با کمترین هزینه و کوتاهترین زمان اهداف پیش‌بینی شده را تحقق بخشند.



اول هدف گذاری درست: قبل از هر چیز هدف گذاری درست در سازمان‌ها باید جدی گرفته شود، هدف باید با زمان و منابع و سرمایه انسانی تناسب داشته و قابل اندازه‌گیری و پایش باشد، هدف-گذاری نا درست و غیر منطقی موجب می‌شود تا سازمان‌ها هزینه‌های زیادی برای رسیدن به هدف پردازند و یا نتوانند بطور کامل به هدف برسند که در چنین شرایطی به جامعه هزینه زیاد و نا امیدي تحمیل می‌گردد، بنابراین مواظب باشیم با دانش و دوراندیشی اهداف را تعیین نماییم و همه عوامل و متغیرها را در نظر بگیریم، تجربه نشان داده برخی سازمان‌ها بدون مطالعه و بررسی اطلاعات دست به هدف گذاری می‌زنند.

دوم برنامه‌ریزی درست: برنامه اجرایی باید به قسمی تدوین شود تا منافع سازمان و جامعه تامین گردد، برنامه اجرایی برای تحقق اهداف تدوین می‌شود ولی باید حاوی مشخصات و شاخص‌های علمی و قابل قبول باشد. بر اساس اقداماتی که در برنامه پیش‌بینی شده، مدیر دستگاه، کارکنان را به سوی اهداف حرکت می‌دهد، دقیقاً در این وضعیت است که مسائل ظاهر می‌گردد.

سوم درک درست از مسائل: مسئله (Problem) اساس هر پژوهش و تدابیر مدیریتی است وقتی سازمان‌ها عزم حرکت برای رسیدن به اهداف مطلوبتر را می‌کنند وضعیت، عوامل یا شرایطی آشکار می‌شود (که تا قبل از حرکت در مسیر هدف به چشم نمی‌آمد) که در زمره مسائل نمایان می‌گردد، مانند نقص مقررات، کمبود منابع، ناهماهنگی در اقدامات مشارکتی با سایر دستگاه‌ها و... این مسائل جلوی حرکت در مسیر رسیدن به هدف را می‌گیرد و اجازه نمی‌دهد سازمان‌ها با اقدامات معمول خود موفق شوند و پیشرفت نمایند. بسیاری مسئله را معادل مشکل (difficult) میدانند که این اشتباه است مشکل توده‌ای از مسائل است که باید تبدیل به مسائل قابل حل گردند، مشکلات جز با شکسته شدن به مسائل، قابل حل نیست.

چهارم شناسایی و اولویت بندی مسائل: بر اساس اهدافی که با دانش و اولویت‌ها مشخص شده و مسیر رسیدن به اهداف که از سوی کارشناسان تعیین گردیده، دستگاه‌ها در چارچوب برنامه‌های اجرایی سالانه (در ذیل اسناد بالادستی) تلاش می‌کنند به اهداف اولویت داده شده دست یابند. شناسایی

مسئله اقدام بسیار مهم و ضروری است، از یاد نبریم که مسئله زمانی آشکار خواهد شد که سازمان به سوی هدف و بهبود روند جاری در حرکت است و تلاش می‌کند از وضع موجود در راستای اهداف برنامه به سوی وضع مطلوب حرکت کند. مسائل جلوی حرکت و پیشرفت دستگاه را می‌گیرد.



مدیران و کارشناسان نباید به جای مسئله یابی مسئله سازی کنند، گاهی نداشتن اطلاعات، دانش ناکافی و نگرانی از فشارها و وضعیت نامطلوب موجب می‌شود کارشناسان و مدیران مواردی را برای خود به عنوان مسئله تعیین کنند که در واقع مسئله نیستند و در راه رفع آن هزینه می‌پردازند و از منابع و سرمایه انسانی استفاده می‌کنند اما تغییر زیادی روی نمی‌دهد نارضایتی جامعه و ناکارآمدی سازمان همچنان وجود دارد این وضعیت ناشی از دو رویداد اشتباه است:

۱. هدف گذاری نادرست

۲. درک نادرست از مسئله

۳. ناتوانی در کاربست نتایج پژوهشی

ضروری است مدیران درک درست از مسائل داشته باشند، منشأ، ویژگی‌ها و مشخصات مسئله را تبیین کنند و مجهولات را احصاً نمایند.

مورد بسیار مهم دیگر در درک درست از مسئله، شناسایی ریشه مسائل است، اینکه مسئله ناشی از چه عواملی است، برای رسیدن به منشأ مسئله، مناسب است ابتدا معلوم کنیم که مسئله مربوط به کدام دو حوزه داخلی (درون سازمانی)، بیرونی (برون سازمانی) و یا تلفیقی از هر دو است که، در این وضعیت، باید سهم و تاثیر عوامل درون یا برون سازمانی در شکل دادن به مسئله مشخص شود، به قسمی که چنانچه وزن هر یک بیشتر باشد اولویت اقدامات را برای حل مسئله معلوم خواهد کرد.

مسائل داخلی ریشه در نقاط ضعف دارد و باید کاملاً بررسی شود و برعکس، مسائل خارجی که به سازمان تحمیل می‌گردد، ریشه در تهدیدها دارد، که باید عوامل آن را شناسایی، و کنترل کرد. دستگاه‌ها می‌توانند با طراحی و تدوین مجموعه‌ای از سوالات و شاخص‌ها، ریشه، نوع، جنس و بسیاری از ویژگی‌های مسئله را احصاً نموده و آن را دسته‌بندی و اولویت‌بندی کنند.

پنجم حل مسئله: حال که با اتکاً به دانش و اطلاعات، هدف‌گذاری مناسبی شکل گرفته و بر اساس برنامه اجرایی سازمان به سوی هدف در حرکت است بدون تردید مسائل آشکار می‌شود، با درک درست از مسئله و اینکه نسبت به آن چه مجهولات و معلوماتی داریم و با کمک چند عامل دیگر، می‌توان مسائل را اولویت‌بندی نموده و آن را به اجزای قابل حل تقسیم کرد. دستگاه‌ها اگر مسئله را حل نکنند به طریقی باید از مسئله عبور کنند در این شرایط سه وضعیت قابل تصور است:

۱. در پشت دیوار مسئله می‌مانید و توان عبور از آن را ندارید و دستگاه به سمت زیان‌سازی حرکت می‌کند و موجب اتلاف زمان و منابع می‌گردد.

۲. مسئله را دور می‌زنیم و بدون حل آن، مسیر خود را منحرف می‌کنیم که در این شرایط، زمان و منابع بیشتری صرف خواهد شد و زمینه‌های انحراف و ایجاد نارضایتی جامعه هم فراهم می‌شود و دستگاه اقدامات پر هزینه را به نظام اداری و اجرایی تحمیل می‌کند

۳. با مسئله مواجه شده و تلاش می‌کنیم آن را بطور منطقی حل نماییم،

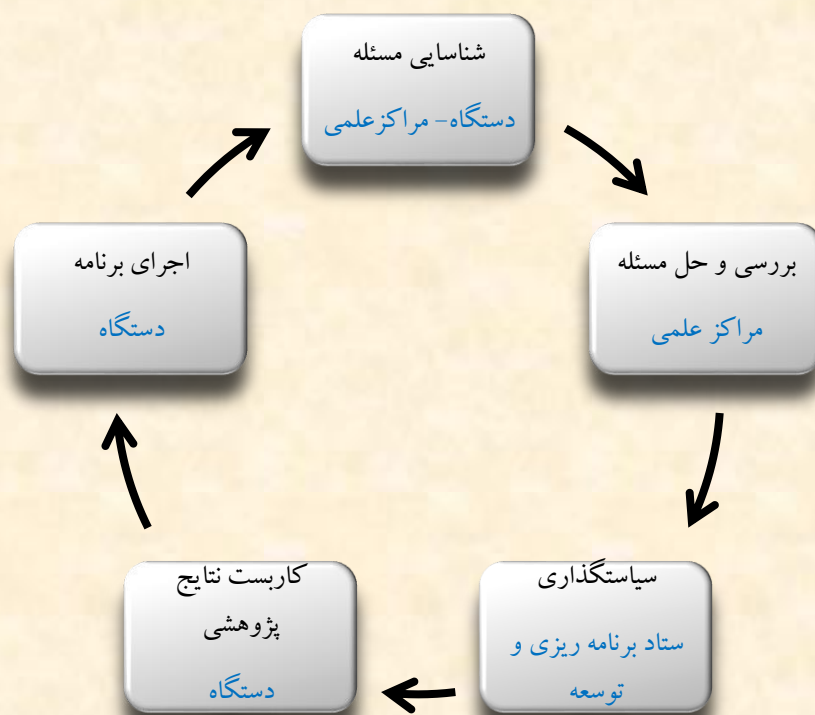
البته مسئله در دستگاه‌های اجرایی به دو روش کلی قابل حل است:

الف- با تدابیر مدیریتی: هرگاه که اطلاعات ما از مسئله، بیش از مجهولات است، و امکانات و سرمایه انسانی موجود توان مقابله با مسئله را دارند، مدیران قادرند با اتخاذ تدابیر مدیریتی و بهره‌گیری از توان و قدرت درونی بر مسئله فائق آیند، گاهی دستگاه‌های اجرایی مواردی را برای پژوهش انتخاب یا تعیین می‌کنند که ضرورتی ندارد برای آن هزینه شود چراکه در راستای هدف و حل مسئله نیست و مسئله با تدابیر مدیریتی و قدرت کارشناسی مرتفع خواهد شد. اما برخی دستگاه‌ها برای اینکه بتوانند از اعتبارات پژوهشی استفاده کنند عناوین پژوهشی غیر مرتبط با مسائل دستگاه را اعلام می‌کنند که در این شرایط

اعتبار برای مواردی هزینه می‌شود که ضرورتی ندارد و اینکه نتایج نمی‌تواند مسئله را در دستگاه حل کند و پژوهش در گوشه‌ای از قفسه کتابخانه خاک خواهد خورد و موجب قضاوت منفی از تاثیر پژوهش در بهبود عملکرد را بدنبال دارد.

ب- با پژوهش و تحقیق: هرگاه معلومات ما از مسئله، کمتر از مجهولات باشد ضرورت دارد دستگاه‌ها به نتایج پژوهش‌های از قبل انجام شده مراجعه کنند و اگر نتایج پژوهشی موجود کافی یا مناسب نبود زمینه‌های اجرای طرح پژوهشی فراهم می‌گردد.

نکته ضروری دیگری که باید در اینجا متذکر شد جایگاه و نقش مراکز علمی در حل مسائل استان، دستگاه‌ها و ارتباط آن‌ها در این روند است، مراکز علمی استان باید به دستگاه‌ها در شناسایی مسائل و اولویت‌بندی آن‌ها کمک کنند و در حل مسئله پیشگام باشند، کارگروه‌های ذیل ستاد برنامه‌ریزی و توسعه استان با سیاست‌گذاری و اتخاذ مصوبات قانونی زمینه‌های استفاده از نتایج را در سطح اجرایی فراهم کرده و دستگاه‌ها به استناد آن مصوبات در روندها و فرآیندهای اجرایی خود از نتایج پژوهشی بهره‌برده و آن‌ها را در اقدامات اجرایی خود بکارگیرند.



ششم کاربست: ضرورت دارد تمام دستگاه‌ها ساختاری تحت عنوان کمیته کاربست پژوهش را بوجود آورند و این کمیته وظیفه داشته باشد شرایط لازم برای حل مسئله را در دستگاه فراهم نماید و بدنبال حل آن پیگیری کند تا نتایج پژوهش در دستگاه اجرایی گردد.



سازمان مدیریت برنامه‌ریزی استان گیلان
 مرکز آموزش پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
 ویژه هفته پژوهش ۱۳۹۷